

واکاوی پیامدهای تحول مفهوم امنیت بر  
راهبرد سیاست خارجی چین  
در رابطه با جمهوری اسلامی ایران  
مهدی سلامی<sup>۱</sup>، ماشاءالله حیدرپور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

**چکیده:** تحول مفهوم امنیت پس از فروپاشی نظام دو قطبی در روابط بین الملل تاثیر گسترده‌ای بر کلیت سیاست خارجی چین در قبال سایر کشورها بر جای گذاشته است. بر این اساس لازم است تحقیقاتی در زمینه واکاوی پیامدهای تحول مفهوم امنیت بر راهبرد سیاست خارجی چین در قبال کشورهای منطقه خلیج فارس و علی‌الخصوص ایران صورت پذیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، پاسخ به این سوال است که تحول مفهوم امنیت چه پیامدهایی بر راهبرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشته است؟ فرضیه مقاله حاضر بر این اساس تدوین شده است که تحول مفهوم امنیت بر رویکرد سیاست خارجی چین در قالب گذار از امنیت تک‌بعدی صرف نظامی به امنیت چندبعدی همه‌جانبه پایدار، موجب توجه چین به ابعاد متعدد امنیت نظیر امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تامین انرژی، نظامی و دفاعی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران گردیده و سیاست خارجی چین در قبال ایران را دست‌خوش تغییر و دگرگونی گسترده‌ای نموده است که در متن مقاله حاضر به پژوهش مولفه‌های تاثیرگذار آن پرداخته می‌شود. گردآوری داده‌های مقاله حاضر بر مبنای روش کتابخانه‌ای و بهره‌برداری از اسناد و منابع مجازی بوده و روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** تحول مفهوم امنیت، گذار از امنیت تک‌بعدی، امنیت پایدار، واقع‌گرایی ساختاری، سیاست خارجی چین

۱. مدرس گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

## ۱. مقدمه

در گذشته، امنیت به معنای امنیت نظامی صرف، دسترسی به سرزمین‌های بیشتر و قدرت تکنوکراتیک و بروکراتیک یک کشور تفسیر می‌شد و واژه امنیت برای کشوری اطلاق می‌شد که در آن جنگ وجود نداشت و آن کشور از سطح بالایی از امنیت نظامی برخوردار بود. اما امروزه با وجود تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، دیگر نمی‌توان امنیت را صرفاً امنیت نظامی دانست و کشوری را قدرتمند تصور کرد که از امنیت نظامی بالایی برخوردار است زیرا با فروپاشی شوروی با توان نظامی فوق‌العاده بالا توجه به امنیت نظامی صرف، مورد شک واقع شد و با به وجود آمدن نیازهای متنوع و جدید، اندیشمندان علم سیاست به این نتیجه رسیدند که مفاهیم روابط بین‌الملل دچار تحول معنا شده‌اند که به عقیده نگارنده مهم‌ترین آن، تحول مفهوم امنیت و گذار از حالت تک‌بعدی امنیت به حالت چندبعدی آن بود. به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان ابعاد دیگر امنیت مانند امنیت اقتصادی، امنیت نظامی و دفاعی، امنیت انرژی، امنیت فرهنگی و... را نادیده گرفت. در همین رابطه در کتاب آینده آزادی، فرید ذکریا (zakaria, 2013)، معتقد است که آزادی‌خواهی بیرون از تولید و سهم بازار بی‌معناست و قدرت جوامع صنعتی هم از طریق تولید به دست آمده است. افزایش قدرت اقتصادی چین بر اساس پیروی از الگوی تحول مفهوم امنیت، سبب شده تا غربی‌ها بیش از پیش به آن‌ها اهمیت بدهند و خواسته‌ها و منافع آن‌ها را در نظر بگیرند. بنابراین با به وجود آمدن احساس نیاز کشورها به چین و وابسته‌تر شدن جهان به اقتصاد پکن، جامعه جهانی، آن‌ها را جدی‌تر تلقی می‌کند و به تبع آن آسیب‌پذیری‌های دولت و حاکمیت چین کمتر شده است. در همین راستا می‌توان این‌گونه بیان داشت که دولت‌ها و حاکمیت‌ها در عصر پس از تحول مفاهیم روابط بین‌الملل از جمله مفهوم امنیت، سعی می‌کنند فرصت رقابت، تولید، ورود در بازارهای بین‌المللی و تنظیم قراردادهای بزرگ را توسط تولیدکنندگان و صنعت‌گران فراهم آورند تا خود، قدرتمند شوند (سریع القلم، ۱۳۹۰: ۵۴).

چینی‌ها پس از آن که متوجه شدند امنیت از حالت تک‌بعدی نظامی صرف گذر کرده و به امنیت چندبعدی تبدیل شده است به فهم این موضوع بسیار مهم رسیدند که دیگر نمی‌توان با بالا بردن صرف توان و قدرت نظامی، امنیت کشور را تضمین کرد و برای تضمین آن نیازمند توجه و روی آوردن به وجوه و ابعاد دیگر امنیت مانند تامین امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت انرژی و سایر ابعاد امنیت دارند و این واقعیت را سرلوحه رویکردهای خود در سیاست خارجی قرار دادند و از

آنجایی که جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به تامین برخی از وجوه امنیت چین کمک کند، موضوع تحول مفهوم امنیت در رویکرد سیاست خارجی چین، شامل جمهوری اسلامی ایران هم شد. متغیر مستقل این مقاله، تحول مفهوم امنیت بر سیاست خارجی چین و متغیر وابسته، پیامدهای تحول مفهوم امنیت بر سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این مقاله قصد داریم تا به این سوال اساسی و بنیادین پاسخ دهیم که تحول مفهوم امنیت چه پیامدهایی را بر راهبرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشته است؟ زیرا در پرتو پاسخ به این سوال است که می‌توان متوجه بسیاری از رویکردهای چین در قبال جمهوری اسلامی ایران شد. در ادامه قصد داریم ضمن تعیین چارچوب نظری، بررسی پیشینه پژوهش و بررسی تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی چین و تاثیر آن بر رابطه با ایران، با بررسی پنج مولفه به تاثیر تحول مفهوم امنیت بر رویکرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران پردازیم. که این پنج مورد عبارتند از: رویکرد ابتکار کمربند - راه، امنیت انرژی چین و موقعیت ژئواکونومیکی انرژی ایران، رویکرد چین در تعاملات با عربستان سعودی و تاثیر آن بر ایران، رویکرد چین در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، روابط نظامی چین و ایران، که در این مقاله تلاش خواهد شد این موارد مورد بررسی و تبیین قرار بگیرند.

## ۲. پیشینه و نوآوری

به دلیل جنبه نوآورانه موضوع، تا آنجا که نگارنده مطالعه کرده است از تحقیقاتی که به طور مستقیم و به صورت تخصصی به مسئله واکاوی پیامدهای تحول مفهوم امنیت بر راهبرد سیاست خارجی چین در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، اشاره کرده باشند منبعی وجود ندارد اما در رابطه با تغییر و اصلاح سیاست خارجی چین در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و موضوعات نزدیک به آن آثار ارزشمندی توسط پژوهشگران این حوزه مطالعاتی، تحقیق شده است که عبارتند از؛ یزدانی و عبدی در مقاله‌ای با عنوان «ابتکار کمربند- راه چین و منافع جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که چینی‌ها از سال ۱۹۷۷ و از زمان به قدرت رسیدن دنگ شیناوپینگ، اولویت سیاست خارجی خود را بر توسعه اقتصادی قرار دادند. بر همین اساس، سیاست خارجی خود را مبتنی بر تحکیم روابط صلح‌آمیز با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان استوار کردند. هم چنین بیان می‌دارند با علم به این که چین یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران است. اما ایران هنوز دارای ظرفیت‌های بکری

در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها توجه به جایگاه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایران در ابتکار کمربند-راه می‌باشد و پکن می‌تواند با توجه به این فاکتور مهم بخش قابل توجهی از امنیت اقتصادی و امنیت انرژی خود را تامین کند.

پژوهش دیگری که آن را می‌توان در حوزه امنیت و تحول مفهوم آن قلمداد کرد توسط علی محسنی و همکاران به نام «تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی‌شدن و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به رشته تحریر درآمده است. در پژوهش مذکور، این ادعا مطرح می‌شود که با فروپاشی نظام دوقطبی و خاتمه یافتن جنگ سرد و به دنبال آن تشدید پدیده جهانی‌شدن، تحول و تغییر بسیاری در مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به ویژه مفهوم و پروسه‌های امنیتی رخ داده است. زیرا واژه جهانی‌شدن معانی بسیار موثری را در خود مستتر دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: جایگزین شدن قدرت نرم و هوشمند در عوض قدرت سخت صرف، تغییر شکل و ماهیت تهدیدات و به وجود آمدن بازیگران و کنش‌گران متعدد رسمی و غیررسمی. در این پژوهش، با توجه به مولفه‌هایی که برای پدیده جهانی‌شدن ذکر می‌شود می‌توان به وجود آمدن نیازها و همچنین تشکیل ابعاد نوین و متنوع امنیت از حالت تک‌بعدی به حالت چندبعدی پی برد.

شامیری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «نگرش نوین به امنیت و رویکرد امنیتی فراگیر چین» به نکته‌ای اشاره می‌کنند که قرابت زیادی با بحث تحول مفهوم امنیت و گذار از امنیت تک‌بعدی نظامی صرف به امنیت چند بعدی فراگیر دارد. آن‌ها معتقدند که با به قدرت رسیدن دنگ شیائوپینگ و جانشینان بعد از او، مانند هو جیتائو و شی جین پینگ، نوع نگرش چینی‌ها به امنیت تغییر یافته است. به گونه‌ای که آن‌ها دیگر امنیت داشتن را در امنیت نظامی صرف خلاصه نمی‌کنند و تمام تهدیدهای امنیتی را نیز در چارچوب تهدیدهای نظامی خارجی قلمداد نمی‌کنند بلکه با روی آوردن به یک نگرش ایجابی و با اتخاذ رویکرد تعامل گرایانه با جامعه بین‌الملل، به دنبال کسب و تامین حداکثر ابعاد امنیت می‌باشند و این موضوع را مدنظر دارند که این تامین حداکثری، با ثبات و پایداری نظم بین‌الملل تحقق می‌یابد.

پس از مرور پیشینه پژوهش و پیش از پرداختن به پیامدهای تحول مفهوم امنیت بر راهبرد سیاست خارجی چین رابطه با جمهوری اسلامی ایران، یک توضیح اجمالی در رابطه با تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی چین و تاثیر آن بر رابطه با جمهوری اسلامی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳. چارچوب نظری؛ واقع‌گرایی ساختاری

سنت نظری واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، همواره یک برنامه پژوهشی پیوسته و متحول بوده است و در سیر تحولی خود، مدل‌ها و الگوهای نظری گوناگونی ارائه نموده است (وثوقی و دیگران، ۹۷: ۱۷). نئورئالیسم، از این منظر به مفروضه‌ها و اصول اساسی واقع‌گرایی کلاسیک مانند آنارشی، موازنه قوا، قدرت محوری، کشور محوری یا وضع طبیعی بین‌المللی و عقلانیت کشورها وفادار است اما برخلاف واقع‌گرایی کلاسیک، نئورئالیسم (واقع‌گرایی کلاسیک)، با حذف متغیرهای سطح واحد بر تأثیرات پایدار نظام بین‌الملل، تأکید دارد و بر مفروضه‌هایی از جمله بی‌اعتمادی دولت‌ها به یکدیگر، آنارشی بودن نظام بین‌الملل، تلاش برای کسب امنیت و افزایش قدرت تأکید بنیادی دارد (میرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۴). در رویکرد نئورئالیسم (واقع‌گرایی ساختاری)، شاید بتوان میرشایمر را از لحاظ بررسی تخصصی حوزه چین، در سطح بالاتری قرارداد. به این معنی که او شاید بیشترین اظهارات و تقریرات را درباره چین داشته است و همواره بر این باور بود که چین ضرورتاً در جست‌وجوی قدرتی است که برای آمریکا تهدیدکننده می‌باشد (Mearsheimer, 2010:381). میرشایمر در سیاست بین‌الملل برای تبیین رفتار دولت‌ها، طبق واقع‌گرایی ساختاری، پنج مفروض اساسی طرح می‌کند که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها که مربوط به چرایی توجه چین به ابعاد جدید امنیت می‌باشند عبارتند از:

۱. این مورد می‌تواند برگرفته از توجه به تحول مفهوم امنیت باشد و هم‌چنین خارج شدن جهان از عصر تک‌بعدی توجه به امنیت نظامی صرف را شامل شود زیرا میرشایمر در این اصل معتقد است امنیت نظامی دولت‌ها هرگز نمی‌تواند در مورد نیات و مقاصد دیگر دولت‌ها مطمئن شوند به این معنا که هیچ دولتی نمی‌تواند اطمینان یابد که دیگر دولت‌ها از نیروی نظامی‌شان برای نابودیش استفاده نخواهند کرد.

۲. قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلایی هستند. زیرا برای بقا در محیط آنارشیک رفتارهایی متناسب در پیش می‌گیرند و نسبت به محیط بیرونی آگاهند (میرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۶).

چنان‌که بیان شد از چشم‌انداز نئورئالیسم، قابلیت‌های مادی اساس ارزیابی قدرت یک دولت است و نکته قابل‌اتکا که پیوند میان نظریه واقع‌گرایی ساختاری و توجه روزافزون چین به تأثیرات تحول مفهوم امنیت می‌باشد، مسئله توجه به ابعاد مختلف امنیت از قبیل امنیت اقتصادی، امنیت تجاری، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی، امنیت انرژی و... است که مهم‌ترین بخش آن را می‌توان امنیت اقتصادی و رشد و توسعه در این زمینه دانست. زیرا با توجه به این بعد از امنیت است که دیگر ابعاد

امنیت، قدرتمندتر می‌شوند. استراتژی بلندمدت چین، براساس تمرکز بر توسعه اقتصادی و تولید ثروت و قدرت شکل گرفته؛ بنابراین می‌توان توسعه اقتصادی را به عنوان کانال تولید قدرت، اساس استراتژی بلندمدت چین دانست. تأثیر قدرت اقتصادی در رفتار بین‌المللی کشورها امری بدیهی است. بنابراین چینی‌ها به این درک رسیده‌اند که دیگر نمی‌توان با توجه به امنیت نظامی صرف، امنیت کشور را تامین کرد و با به وجود آمدن تحول مفهوم امنیت، باید به تمام ابعاد امنیت توجه داشت و با تامین وجوه دیگر امنیت مانند امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت تجاری و... امنیت کشور را تضمین کرد. بنابراین چینی‌ها روابط خود با دیگر کشورها را بر اساس تئوری واقع‌گرایی ساختاری و در ذیل توجه به تحول مفهوم امنیت بنا ساختند که رابطه با جمهوری اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنی نماند و این شیوه تفکر چینی‌ها تأثیرات بسیار مهم و موثری بر رویکرد آن‌ها در سیاست خارجی خود در قبال جمهوری اسلامی بر جای گذاشت که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۴. تأثیر تحول مفهوم امنیت بر سیاست خارجی چین

جمهوری خلق چین از زمان بنیان‌گذاری در سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۷۸ اقتصاد دستوری متمرکزی به سبک شوروی را در دستورکار قرار داده بود که پیامدهایی را دربرداشت؛ البته می‌توان از انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین تصمیمات حکومت مائو نام برد. دوره ده ساله انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶) که چینی‌ها همواره از آن به تلخی یاد می‌کنند، در واقع نبرد قدرت میان مائو و مخالفانش بود. مائو برنامه آموزش سوسیالیسم را با هدف راندن نیروهای اصلاح طلب یا به تعبیر خودش، پویندگان ناپشیمان سیستم سرمایه‌داری آغاز کرد. این برنامه برای برپایی دوباره حاکمیت عقیدتی، مبارزه طبقاتی و نهادینه کردن اندیشه مائوئیسم آغاز شد. گردانندگان اصلی انقلاب فرهنگی و برنامه آموزش عقیدتی که از جوانان گارد سرخ تشکیل شده بودند، در صدد ریشه‌کنی طرفداران لیبرالیسم و بورژوازی برآمدند (Madsen, 2003: 18). نتیجه این پاکسازی، تنها ماندن و عقب‌ماندگی علمی و تکنولوژیک نسبت به کشورهای پیشرفته بود (Zaho, 2003: 338). انقلاب فرهنگی نقش ویژه‌ای در شکست دیپلماسی چین در جهان داشت (کوهکن، ۱۳۸۷، ۵۲). زیرا کشورها، مخصوصاً کشورهایی که با چین همسایه بودند، آن‌ها را قدرت تهدیدکننده و دخالت‌کننده می‌دانستند. کشورهای بزرگ و صنعتی نیز با بدبینی و تردید به اهداف سیاست خارجی چین می‌نگریستند.

اما پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ و پایان انقلاب فرهنگی، دنگ شیائوپینگ و نسل جدید رهبران چین شروع به اصلاحات اقتصادی کرده و اقتصاد چین را به سوی نظام بازار سوق دادند که آن را می‌توان ناشی از درک و توجه به تحول مفهوم امنیت قلمداد کرد. چین در ساختار بین‌الملل امروز، پس از درک تحول مفهوم امنیت به قدرتی غیرقابل‌انکار تبدیل شده و توسعه خاموش آن که در راستای ابعاد گوناگون امنیت است، باعث شده تا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. هم‌چنین در پی فهم این موضوع که صرفاً با تامین امنیت نظامی نمی‌توان ادعا کرد که یک کشور امنیت دارد، پکن متوجه این موضوع شد که برای اینکه امنیت حداکثری خود را تامین کند باید به تمام ابعاد امنیت اهتمام داشته باشد. بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که چین با تبعیت از قواعد ساختار و درک این موضوع که امروزه امنیت حالت چندبعدی دارد، تمرکز خود را بر روی ابعاد متنوع امنیت استوار کرده است. ابعاد گوناگون امنیت از منظر چینی‌ها عبارتند از: امنیت اقتصادی، امنیت تجاری، امنیت سیاسی، امنیت انرژی، امنیت فرهنگی، امنیت فضایی، امنیت سایبری، امنیت نظامی و امنیت محیط زیست و ... اما همان‌طور که مطرح شد، مبنای اصلی برای قدرتمندی دولت‌ها برخورداری از اقتصاد و صنعت مناسب است و محققان این موضوع بر بنیادی بودن و تقدم امنیت اقتصادی بر سایر وجوه همانند امنیت نظامی اتفاق نظر دارند. از این رو، در سال‌های پس از دهه ۷۰ میلادی، دولت مردان پکن، با اولویت‌بخشی به امنیت اقتصادی خود سعی داشتند تا جایگاه مطلوبی را به دست آورند. آن‌ها با توجه به قواعد حاکم بر ساختار بین‌الملل به دنبال کسب حداکثر سود از اتفاقات در حال گذار در نظام بین‌المللی می‌باشند زیرا دریافته‌اند که مقوله امنیت، مانند گذشته تک‌بعدی نیست و باید بتوانند ابعاد گوناگون امنیت را تامین کنند و سیاست‌خارجی خود را با توجه به قواعد حاکم بر ساختار بین‌الملل بر اساس آن تنظیم کنند تا دچار ضعف و عقب‌ماندگی نشوند. به همین دلیل تصمیم گرفتند تا روابط و همکاری‌های عظیم و اساسی را با کشورهای دیگر شروع کنند که این روابط و همکاری‌ها اعم از راه‌سازی و ایجاد بنادر تجاری، ساختمان‌سازی، نیروی کار متخصص، روابط نظامی و تسلیحاتی، روابط سیاسی منسجم، پایدار و عاقلانه می‌باشد. اما با اینکه چینی‌ها با رویداد تحول مفهوم امنیت، این مقوله را از حالت تک‌بعدی نظامی صرف خارج و سعی در تامین ابعاد گوناگون آن کردند، نمی‌توان از پرداختن آن‌ها به ایدئولوژی کمونیسم در بسیاری از امور غافل شد، به گونه‌ای که برخی از روشنفکران چین، عدم برگزاری انتخابات آزاد و دموکراسی را با همراهی چین با تحول مفهوم امنیت در تضاد می‌دانند زیرا معتقدند بخش مهمی از امنیت، امنیت داخلی و امنیت سیاسی یک

کشور می‌باشد که با دموکراسی تامین می‌شود و پکن به دلیل پرداختن به ایدئولوژی کمونیسم، آن را نادیده گرفته است.

### ۵. تاثیر تحول مفهوم امنیت بر رویکرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران

پس از آن که به طور اجمالی به بیان تاثیر تحول مفهوم امنیت بر سیاست خارجی چین پرداختیم، برای ایجاد یک درک پارادایمیک و عمیق لازم است تا به صورت اجمالی به تاثیر تحول این مفهوم بر رویکرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران بپردازیم. با توجه به این که چینی‌ها به دنبال کسب حداکثر سود از تحول مفهوم امنیت هستند و خواهان تامین حداکثری ابعاد گوناگون امنیت می‌باشند، باید از تمام کشورهای پیرامون خود استفاده کنند تا بتوانند به هدف خود در تامین ابعاد گوناگون امنیت مانند امنیت نظامی، امنیت اقتصادی و تجاری، امنیت انرژی و... نائل شوند. یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه جمهوری اسلامی ایران است که با توجه به تصمیم‌گیری‌های تجدیدنظرطلبانه سیاسی در ساختار نظام بین‌الملل، منابع عظیم طبیعی و موقعیت جغرافیایی می‌تواند جایگاه ویژه‌ای را در سیاست خارجی چین کسب کند؛ که هر کدام از آن‌ها می‌تواند حداقل یک بعد از امنیت و حداکثر ابعاد گوناگونی از امنیت مدنظر پکن را تامین کند که در ادامه در قالب پنج مولفه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۵-۱. رویکرد ابتکار کمربند - راه

در تشریح ابتکار کمربند-راه و تاثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران لازم است که برای فهم دقیق‌تر، آن‌ها را به سه بخش تقسیم کنیم؛ بخش اول شامل توضیح اجمالی درباره ابتکار کمربند-راه، بخش دوم شامل دلایل چین برای علاقه به ایران در این پروژه و بخش سوم شامل پیامدهای کمربند-راه برای منافع ایران می‌باشد که می‌توان آن را از تاثیرات تحول مفهوم امنیت بر سیاست خارجی چین در قبال ایران برشمرد.

#### ۵-۱-۱. بخش اول: ابتکار کمربند - راه؛

از زمانی که چین به تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل اعتقاد پیدا کرد و چارچوب مفاهیم گذشته را دگرگون شده دید اولویت سیاست خارجی خود را بر توسعه اقتصادی قرارداد. بنابراین چین تصمیم گرفت تا همسایگان خود را در منافع اقتصادی خود شریک نماید و به این منظور پروژه کمربند-راه



در سال ۲۰۱۳ را کلید زد (یزدانی، عبدی، ۱۴۰۰: ۱۳۹۴). چینی‌ها پس از فهم این موضوع که امنیت، دیگر تک‌بعدی نیست و جهان، سال‌هاست از امنیت تک‌بعدی عبور کرده و به امنیت چند بعدی در سطح ساختار نظام‌بین‌الملل رسیده است سعی کردند تا وجوه دیگر امنیت را با توجه به طرح‌ها و پروژه‌های خود برای کشورشان به ارمغان بیاورند. به همین دلیل ابتکار کمربند - راه چین تنها یک طرح اقتصادی نیست، بلکه ابعاد فرهنگی، سیاسی و امنیتی را نیز شامل می‌شود. این مسیر، جمعیت حدود چهار و نیم میلیارد نفر را شامل می‌شود و ۶۵ کشور را در بر می‌گیرد و می‌تواند بعد امنیت اقتصادی را برای آن‌ها تامین کند. در این راستا کشور چین با نگاه چندبعدی به مقوله امنیت و توجه به بعد امنیت اقتصادی و بازرگانی (تجاری) در ساختار نظام‌بین‌الملل، اقدام به تاسیس و بهره‌برداری از بانک زیرساخت‌های آسیا کرد و اکثر کشورهای این مسیر عضو بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا هستند که به ابتکار چین تأسیس شده‌اند (شریعتی نیا، ۱۳۹۵: ۹). این امر نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در سیاست خارجی چین است. یکی از سیاست‌های اعمالی در چارچوب مگا پروژه‌های چین که متأثر از فهم تحول مفهوم امنیت و توجه به قواعد حاکم بر ساختار است را می‌توان ابتکار کمربند - راه نام برد که بر رویکرد سیاست خارجی چین نسبت به ایران بسیار زیاد موثر بوده است؛ زیرا هم زمان پنج بعد امنیت را فرا می‌گیرد که عبارتند از: ۱. امنیت اقتصادی ۲. امنیت تجاری ۳. امنیت انرژی ۴. امنیت سیاسی ۵. امنیت فرهنگی. به گونه‌ای که چین برای احیای جاده ابریشم و طرح کمربند - راه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران، نیاز مبرم دارد.

## ۲-۱-۵. بخش دوم: دلایل چین برای علاقه به ایران در این پروژه؛

موقعیت جغرافیایی ایران یکی از جنبه‌های مهم این کشور برای اجرای نقش به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در این پروژه به حساب می‌آید. ایران علاوه بر موقعیت حساس ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، به دلیل برخورداری از سایر شاخص‌های اقتصادی و ذخایر عظیم انرژی، از جایگاه ژئواکونومیک برجسته‌ای نیز برخوردار است (شاه محمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). ایران محل تلاقی شرق و غرب و دارای تمدنی چند هزار ساله است. علاوه بر این‌ها موقعیت گذرگاهی و مرزهای آبی و خاکی با ۱۵ کشور جهان، حضور در کریدور شرق به غرب و کریدور شمال به جنوب، دارا بودن منابع نفتی (۲۱ درصد) و گازی (۱۷ درصد) عظیم و ارتباط با چهار قدرت اتحادیه اروپا، روسیه، هند و چین و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای، نقشی مهم در ساختار نظام بین‌الملل کنونی دارد. هم‌جوار بودن ایران با سیزده کشور در منطقه (دارای مرز خشکی با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، افغانستان،

پاکستان، عراق، ترکمنستان و ترکیه می‌باشد و با قطر، امارات، عربستان، عمان، کویت و بحرین مرز دریایی دارد) و هم‌چنین ایران در جنوب از خلیج فارس تا تنگه هرمز و خلیج عمان اهمیت ژئوپلیتیک قابل توجهی را به این کشور داده است (ارغوانی پیر سلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۷). ویژگی‌های ممتاز فوق سبب شده است که کشور دیگری نتواند امتیازات جایگاه ایران در این طرح را دارا باشد و چینی‌ها برای تامین حداکثری امنیت خود از طریق این طرح، به همکاری با ایران مشتاق باشند.

### ۳-۱-۵. بخش سوم: پیامدهای کمربند - راه برای منافع ایران؛

هر چند سهم ایران از بخش صادرات و واردات چین تنها نیم درصد است (حریری، ۱۳۹۹)، اما چین بزرگترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود. هم‌چنین پس از درک عمیق چینی‌ها از تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل آن‌ها سعی کردند تا از تمام ابزارها و طرح‌های خود، ابعاد دیگر امنیت مانند امنیت اقتصادی و امنیت انرژی در ساختار کنونی حاکم بر روابط بین‌الملل را از این طریق برای خود تولید کنند. همان‌طور که مطرح شد طرح کمربند-راه و ترسیم جایگاه ممتاز ایران در آن را می‌توان به عنوان یک نمونه بارز از تاثیر تحول مفهوم امنیت بر رویکرد چین در قبال ایران نام برد زیرا جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص همراهی با این طرح دارای منافع زیادی می‌باشد و همین امر آن‌ها را مصمم برای شراکت در این طرح می‌کند که عبارتند از:

۱. ثبات و امنیت سیاسی در منطقه؛ تامین امنیت و ثبات سیاسی در طرح مذکور را می‌توان فرصت مناسبی در جهت تقویت وجهه ایران قلمداد کرد. هم‌چنین ایران می‌تواند با عضویت در نهادهای احتمالی امنیتی و سیاسی که در آینده برای نظارت و جهت‌دهی به فعالیت‌های ابتکار کمربند - راه ایجاد خواهد شد و سازمان‌های مالی موجود برای این ابتکار، از این فرصت در راستای افزایش نقش خود در سازمان‌های چندجانبه و بالتبع تقویت کنش‌گری سیاسی خود در عرصه منطقه‌ای و بین-المللی بهره‌مند شود (Janardhan, 2020:2) و در پرتو آن‌ها فشارهای سیاسی موجود در برنامه‌های مختلف از جمله برنامه هسته‌ای را از روی خود بردارد.

۲. توسعه مبادلات تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛ ایجاد شرایطی برای حذف یا کاهش تعرفه‌های گمرکی و هم‌چنین تشکیل موافقت‌های تجارت آزاد از دیگر فرصت‌های حاصل شده از این طرح می‌باشد و ایران نیز می‌تواند از این فرصت‌ها برای گسترش روندهای تجاری خود بهره‌مند شود. هم‌چنین توسعه اقتصادی و وصل شدن به بازارهای جهانی از دستاوردهای دیگر این ابتکار برای ایران خواهد بود (یزدانی، عبدی، ۱۴۰۰: ۱۲۱). در هردو مورد مذکور می‌توان توجه به ابعاد

گوناگون امنیت، مانند امنیت سیاسی، امنیت انرژی و امنیت تجاری و سرمایه‌گذاری را مشاهده کرد که همگی آن‌ها متأثر از تاثیر تحول مفهوم امنیت بر رویکرد سیاست‌خارجی چین در قبال ایران در راستای طرح کمربند-راه بودند. بنابراین طرح کمربند-راه یک نمونه قدرتمند از تحول مفهوم امنیت به منظور تحقق منافع چین بر اساس قواعد حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل می‌باشد.

## ۵-۲-۲. امنیت انرژی چین و موقعیت ژئواکونومیک ایران

در این قسمت برای بهتر مشخص شدن بحث و ابعاد آن، دو بخش را مورد بررسی قرار خواهیم داد که عبارتند از: بخش اول، جایگاه مفهوم انرژی برای چین و بخش دوم، ژئواکونومیک انرژی ایران. این مولفه (امنیت انرژی چین و موقعیت ژئواکونومیک ایران) به عنوان مهم‌ترین مولفه متأثر از تحول مفهوم امنیت در جایگاه امنیت انرژی در سیاست‌خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

### ۵-۲-۱. بخش اول: جایگاه مفهوم انرژی برای چین؛

برای درک بهتر تحول مفهوم امنیت در سیاست‌خارجی چین و جایگاه مفهوم انرژی در آن به بررسی موضوع انرژی در چین می‌پردازیم. بر اساس برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا، میل چین برای مصرف انرژی، از جمله نفت و گاز هم چنان سیری ناپذیر تداوم خواهد یافت (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۲). در سبد مصرف انرژی این کشور به غیر از نفت، مصرف گاز اهمیت ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که افزایش میزان آن از ۲/۸ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۸ درصد در سال ۲۰۱۰ میلادی رسیده است (Ibid:216). افزایش روز افزون مصرف انرژی باعث شد تا دولت مردان چین، برای تامین امنیت انرژی خود به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه امنیت، سیاست‌هایی را اتخاذ کنند. در همین راستا تصمیم گرفتند تا از کشورها و مناطق مختلف، جهت تأمین سایر نیازهای مصرفی خود اقدام کنند و بازارهای خرید انرژی مورد نیاز خود را متنوع سازند (Nuttal(etal),2008:1253). پس از ایجاد یک درک پارادایمی از مقوله انرژی و امنیت انرژی در چین برای درک بهتر این موضوع که این بعد از امنیت چه تاثیری بر رویکرد چین در قبال ایران داشته است، ضروری به نظر می‌رسد تا یک فهم اجمالی از موقعیت ژئواکونومیک ایران در ساختار کنونی نظام بین‌الملل داشته باشیم.

### ۵-۲-۲. بخش دوم: ژئواکونومیک انرژی ایران؛

برای این‌که از جایگاه ممتاز ایران در زمینه انرژی، به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه امنیت چین،

استنباط صحیحی داشته باشیم لازم است که به صورت اجمالی به ژئواکونومیک ایران بپردازیم. از نظر حجم منابع انرژی در زمینه سوخت‌های فسیلی، در رتبه دوم و پس از روسیه، ایران با ذخایر گازی اثبات شده‌ی ۱۰۰۰ تریلیون فوت مکعب که معادل ۲۶/۵ تریلیارد مترمکعب می‌باشد، ۱۵/۸ درصد کل ذخیره‌ی گاز جهان را به خود اختصاص داده است و در حال حاضر ۳/۷ تولید گاز جهان و ۳/۱ سهم بازار گاز جهان را در دست دارد (IEA, 2009: 57) که با توجه به نیاز روزافزون پکن به انرژی، می‌تواند جایگاه ویژه و ممتازی را در سیاست‌های امنیت انرژی چین به خود اختصاص بدهد. هم‌چنین ویژگی دیگر ممتاز ایران برای چین در زمینه امنیت انرژی عمر ذخایر گازی ایران است که با توجه به حجم تولید فعلی، ۲۴۵ سال تخمین زده شده است (BP, 2010:22).

در عین حال، موقعیت استراتژیک ایران در عرصه ترانزیت انرژی حوزه دریای خزر، باعث شده است تا این کشور در شمال و جنوب توانایی عرضه انرژی داشته باشد که این موضوع بی‌همتا و منحصربه‌فرد است (Petroleum Economist, 2004). از طرف دیگر، چین به عنوان کشوری که دومین اقتصاد بزرگ جهان را داراست و یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد، برای تداوم رشد اقتصادی و رونق خود که آن را از سال ۱۹۷۹ در پرتو تحول مفهوم امنیت، آغاز کرده است، بیش از هر کشور دیگری به منابع انرژی جهانی نیازمند است (Bagwandeem, 2014, 2). چینی‌ها تا سال ۱۹۹۳ در بخش تامین امنیت انرژی، مستقل و خودکفا بودند اما سرعت بالای رشد اقتصادی عاملی شد تا آن‌ها درباره جهان خارج و به خصوص خاورمیانه رویکردهای نوینی اتخاذ کنند. در همین رابطه، چین با ورود به بازار جهانی (که ایران یکی از مهم‌ترین و ممتازترین آن‌ها است) قصد دارد تا به امنیت انرژی مورد نیاز خود برای استمرار رشد اقتصادی دست یابد (Douglas & et al, 2007, 13).

نگاه پکن به انرژی خاورمیانه به صورت جدی دنبال می‌شود، زیرا بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت در این منطقه استقرار یافته است و تقریباً ۵۰ درصد از ذخایر نفتی کشف شده در جهان در خاورمیانه حضور دارد (Herberg, 2009, 3). چین پس از فهم تحول مفهوم امنیت و جایگاه ویژه امنیت انرژی در آن، همواره سعی کرده است تا در حوزه انرژی از موقعیت ممتاز ایران استفاده کند به همین دلیل به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم که عبارتند از: ۱. خرید ۳/۶ میلیارد دلاری گاز مایع از فاز ۱۴ پارس جنوبی و انعقاد قرارداد ۱۶ میلیارد دلاری در حوزه گازی پارس شمالی؛ ۲. امضای قرارداد نفتی شرکت سینوپک با ایران برای توسعه میدان نفتی یادآوران در دسامبر

۲۰۰۸؛ ۳. تبدیل شدن چین در سال ۲۰۱۱ به بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران که ۱۰ درصد نفت وارداتی خود را از ایران وارد می‌کرد (شریعتی نیا، ۱۳۹۱: ۱۹۶-۱۹۷). با توجه به توضیحات فوق از نیاز روزافزون چین به انرژی و هم چنین موقعیت ژئواکونومیک کم‌نظیر ایران، متوجه این موضوع خواهیم شد که موضوع امنیت انرژی در راستای تحول مفهوم امنیت و گذار از امنیت تک‌بعدی نظامی به امنیت چندبعدی در سیاست‌خارجی چین با توجه به تحولات حاکم بر ساختار نظام و روابط بین‌الملل، چگونه بر رابطه این کشور با ایران برای تامین منافع دو کشور بر اساس قواعد حاکم بر ساختار واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل تاثیرگذار بوده است. به گونه ای که ایران در این راستا برای چین به عنوان یکی از بهترین منابع تامین انرژی مطرح می‌شود که در موارد بعد هم تاثیر انرژی در این رابطه را می‌توان درک کرد و این مورد را می‌توان مهم‌ترین عامل در رابطه پایدار ایران و چین بر مبنای الگوهای مورد پذیرش حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل قلمداد کرد و بسیاری از تصمیمات چین در قبال موضوعات مربوط به جمهوری اسلامی ایران را منطبق با نظم موجود در ساختار روابط بین‌الملل، از طریق نیاز چین به انرژی ایران تفسیر و تشریح کرد. به گونه ای که مورد بعدی یعنی تفسیر رابطه سعودی و چین را می‌توان ادامه همین مورد (امنیت انرژی چین و موقعیت ژئواکونومیک ایران) تلقی نمود.

### ۳-۵. رویکرد چین در تعاملات با عربستان سعودی و تاثیر آن بر ایران

در ابتدا ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که این مولفه را می‌توان تکمیل‌کننده مولفه قبل دانست. زیرا همان طور که بیان شد، پس از تحول مفهوم امنیت در رویکرد سیاست‌خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین بعد تامین امنیت برای چین در رابطه با ایران، تامین امنیت انرژی می‌باشد. برای فهم بهتر این موضوع، این مولفه را به دو بخش شده است که عبارت است از: حوزه‌های روابط چین و عربستان سعودی و روابط چین - عربستان سعودی و تاثیرات آن برای امنیت ایران.

#### ۱-۳-۵. بخش اول: حوزه‌های روابط چین و عربستان سعودی

الف. حوزه تجارت: با توجه به فهم تحول مفهوم امنیت در ساختار روابط بین‌الملل و بازشدن دریچه‌های آن بر روی ابعاد گوناگون، با توجه به آمار و ارقام موجود می‌توان به نزدیک شدن سریع

چین به عربستان سعودی پی برد و این عامل بر روی تجارت چین با جمهوری اسلامی ایران اثرگذار است. به طوری که اگر در سال ۱۹۹۰ حجم تجارت کل میان این دو کشور ۴۱۷ میلیون دلار بود، این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۳/۱ میلیارد دلار و در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ به ۱۶/۱ میلیارد دلار رسید و این سیر صعودی تا سال ۲۰۰۸ ادامه یافت که تجارت میان این دو کشور تا ۴۱/۸ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد، اما در سال ۲۰۰۹ با وقوع بحران در اقتصاد جهانی، تجارت میان آنها با کاهش ۲۲ درصدی به ۳۲/۶ میلیارد دلار رسید که البته این کاهش به سرعت در ۲۰۱۰ جبران شد و تجارت میان آنها به بیش از ۷۰ میلیارد دلار رسید (Alterman, 2013, 3).

ب. حوزه انرژی چین و عربستان: همان‌طور که در ابتدای مولفه قبل (امنیت انرژی چین و موقعیت ژئواکونومیکی ایران) مطرح شد، چینی‌ها پس از فهم تحول در مفهوم امنیت در ساختار بین‌الملل، رویکرد سیاست خارجی خود را بر آن متمرکز کردند زیرا نیاز روزافزون چین به انرژی موجود در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه برای آنها بسیار مهم است.

یکی از رویکردهای مهم در سیاست خارجی چین در ساختار نواقع‌گرایانه که کاملاً متأثر از فهم تحول مفهوم امنیت از حالت تک‌بعدی نظامی به حالت چند بعدی بود، تغییر در امنیت انرژی بود. در ادامه به آمارهای نفتی بین چین و عربستان سعودی اشاره خواهد شد که مستقیماً بر روابط چین و ایران اثرگذار خواهد بود. در بین سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۱ حجم واردات نفتی چین از سعودی، کمتر از یک میلیون تن در سال بود اما این میزان در سال ۱۹۹۹ به ۲/۵ میلیون تن و در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۵/۷ میلیون تن رسید (ارغوانی پیرسلامی، فروتن، ۱۳۹۸: ۷۶). از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ نیز شاهد رشد ۱۵۴ درصدی خرید نفت چین از عربستان سعودی هستیم که این امر وابستگی چین در حوزه امنیت انرژی به عربستان سعودی را نشان می‌دهد. از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ صادرات نفتی عربستان سعودی به چین با ۷۵ درصد رشد، از ۲۳/۸ به ۴۱/۸ میلیون تن رسید و همین امر سبب شد تا موقعیت عربستان سعودی در برابر دیگر کشورهای صادرکننده نفت به چین مانند آنگولا و ایران، پیشرفت محسوسی داشته باشد. زیرا طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، صادرات نفتی سعودی به چین، پس از آنگولا و ایران رتبه سوم را داشت اما در ادامه صادرات نفت به چین و در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱ سعودی‌ها رتبه دوم را کسب کردند و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ رتبه نخست را به خود اختصاص دادند (ارغوانی پیرسلامی، فروتن، ۱۳۹۸: ۸۲).

ج. حوزه تسلیحات: با فهم تحول در مفهوم امنیت، به دلیل مولفه‌های حاکم بر قواعد ساختار نظام

بین‌الملل و پررنگ شدن امنیت اقتصادی در روابط بین‌الملل به عنوان مهم‌ترین بعد امنیت در سیاست خارجی چین، این کشور درصدد توسعه بازار صادراتی خود به منظور فروش ابزارآلات و جنگ افزارهای نظامی برآمد تا برای انجام و استمرار اصلاحات، نیاز خود را به منابع مالی لازم برآورده کند. در همین راستا عربستان سعودی به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از ایران و اسرائیل، در صدد خرید موشک‌های پیشرفته چین برآمد و در راس کشورهای عربی خواستار تسلیحات چینی قرارگرفت (Bin Huwaidin, 2008, 69). بر این اساس در اواخر دهه ۱۹۸۰، پکن ۵۰ تا ۶۰ عدد موشک میان‌برد زمین به هوا به نام دانگ فنگ ۳، و ۱۵ پرتاب کننده سیار که ارزش آن‌ها جمعاً به ۵ میلیارد دلار می‌رسید به ریاض فروخت (Lippman, 2008, 2).

### ۲-۳-۵. بخش دوم: روابط چین - عربستان سعودی و تاثیرات آن برای امنیت ایران

این پیامدها را می‌توان در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای طبقه‌بندی کرد که هر کدام از این حوزه‌ها، نتیجه تاثیر تحول مفهوم امنیت بر رویکرد سیاست خارجی چین در قبال ایران هستند زیرا چینی‌ها با فهم تحول مفهوم امنیت و به منظور تامین ابعاد دیگر امنیت مانند امنیت انرژی، امنیت تسلیحاتی، امنیت تجاری، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی، به مستحکم‌تر کردن روابط خود با سعودی مشتاق شدند.

**الف. حوزه اقتصادی:** چین تلاش می‌کند با گسترش روابط خود با عربستان سعودی، به یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان نفت خام جهان نزدیک شود و یکی از ابعاد مهم امنیت به نام امنیت انرژی خود را نیز تامین کند. در این جا می‌توان به دو وعده اساسی سعودی‌ها در قالب تامین امنیت عرضه ذخایر هیدروکربنی در بلندمدت و همچنین عرضه ارزان قیمت نفت خام به چین اشاره کرد، به صورتی که عربستان به طور ضمنی متعهد شده که چین در مسیر فرآیند توسعه اقتصادی خود از طریق ریاض با هیچ کمبودی مواجه نشود. از آنجا که چین، به درک عمیقی از تحول مفهوم امنیت در ساختار واقع‌گرایانه جهان دست یافته است، مجبور است با افزایش فشارهای وارده بر ایران از سوی ایالات متحده آمریکا مخالفت چندانی نداشته باشد و پیشنهاد این کشور مبنی بر جایگزینی ایران با عربستان سعودی را بپذیرد (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۴: ۳۵). زیرا تحریم‌هایی که علیه ایران وضع شده، باعث بالارفتن هزینه‌های ناشی از سرمایه‌گذاری در این کشور شده است و از همین حیث، چین احساس می‌کند که ایران مکان خطرناکی برای تجارت است و در مقابل، عربستان با توجه به ظرفیت

تولیدی بسیار خوبی که دارد می‌تواند تامین‌کننده قابل اعتمادی برای چین باشد (Wu & et al, 2011, p)

ب. **حوزه سیاسی:** چین به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ و به واسطه همکاری‌های فزاینده خود با عربستان سعودی در حوزه تسلیحاتی، در حال مداخله در توزیع قدرت منطقه خاورمیانه است (بوزان و یوور، ۱۳۸۸: ۱۲۷). این رویکرد پکن در سیاست خارجی خود می‌تواند باعث برهم خوردن توازن قدرت میان تهران و ریاض شود.

ج. **در سطح منطقه‌ای:** پیامدهای نزدیک شدن هر چه بیشتر چین و عربستان سعودی در سطح منطقه‌ای را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. نخست آن که یکی از راهبردهای عربستان سعودی در سال‌های اخیر با توجه به فهم ساختار حاکم بر روابط بین‌الملل، تلاش برای معرفی ایران به عنوان عاملی جدی برای تهدیدات امنیت منطقه‌ای بوده، به طوری که به گزارش برخی از منابع، مهم‌ترین خواسته مقامات عربستان سعودی از چین، کاهش همکاری‌های این کشور با ایران بوده است (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴). دومین پیامد را می‌توان این‌گونه بیان کرد که ایران همواره انتظار داشته تا چین مداخلات آمریکا در منطقه خاورمیانه و به طور کلی آسیا را مهار کند و از نقش برجسته چین در ساختار نظام بین‌الملل بهره‌مند شود اما چین برای تامین حداکثری ابعاد متنوع و نوین امنیت که بر اساس نگاه به تحول مفهوم امنیت انجام می‌پذیرد با رعایت یک انفعال جدی در این زمینه، انتظارات ایران را برآورده نکرده است. با تعمق در موارد و عوامل فوق‌الذکر، متوجه خواهیم شد که کشور چین در نتیجه درک و اعمال تحول مفهوم امنیت بر اساس ساختار کنونی نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی خود به فهم این موضوع رسیده است که باید با عربستان سعودی در ساختار روابط بین‌الملل، یک رابطه پایدار و منظم ایجاد کند که با توجه به بررسی‌هایی که در این مولفه انجام پذیرفت، مهم‌ترین دلیل فهم چین از ضرورت و لزوم این رابطه، مسئله تامین امنیت انرژی به عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت پس از تحول مفهوم این مفهوم می‌باشد.

#### ۴-۵. رویکرد چین در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

در این مولفه در قالب سه بخش، به تشریح مولفه پرونده هسته‌ای ایران و تاثیر تحول مفهوم امنیت بر رویکرد سیاست خارجی چین در قبال آن می‌پردازیم که عبارتند از: بخش اول، پیوستن چین به چرخه نظم حاکم بر ساختار بین‌الملل در مسئله هسته‌ای، بخش دوم، آرای چین در قبال پرونده هسته‌ای ایران



و بخش سوم، همکاری‌های چین و برنامه هسته‌ای ایران.

**۱-۴-۵. بخش اول: پیوستن چین به چرخه نظم حاکم بر ساختار بین‌الملل در مسئله هسته‌ای**  
 ضروری قلمداد کردن حرکت و رعایت در چارچوب هنجارهای نواقع‌گرایانه جامعه بین‌المللی و هم‌چنین نیاز چین به همکاری با غرب که با هدف تضمین تداوم رشد و تامین امنیت اقتصادی و براساس تحول مفهوم امنیت شکل گرفته بود، سبب شد تا از دهه ۱۹۸۰، پکن مشارکت بیشتری در روند هنجارها و قواعد موجود در رژیم‌های بین‌المللی مربوط به موضوع هسته‌ای از خود نشان دهد و هم‌زمان به افزایش قدرت در توسعه فناوری هسته‌ای بپردازد. البته عوامل مهم دیگری هم وجود داشتند که ضرورت پیوستن چین به چرخه نظم حاکم بر ساختار بین‌الملل را تقویت می‌کردند که عبارت بودند از: آرزوی به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک ملت مسئول و پیشرفته در جهان؛ فشارهای مستمر آمریکا و وجود تمایل برای برقراری رابطه با واشنگتن؛ پذیرفته شدن به عنوان یک دولت برخوردار از سلاح اتمی در قالب NPT؛ مهم‌ترین عامل همین مورد است که چینی‌ها پس از فهم تحول مفهوم امنیت، سعی کردند با سیاست‌های خود ابعاد گوناگون امنیت را برای خود به ارمغان بیاورند که پیوستن به چرخه نظم حاکم بر ساختار موجود در نظام بین‌الملل درباره مسئله هسته‌ای یکی از آن‌ها بود. مولفه‌های فوق‌الذکر سبب شدند تا چین در راستای احترام به این هنجارهای ساختاری، ابتدا در سال ۱۹۸۴ به آژانس بین‌المللی انرژی (IAEA) ملحق شود و در ادامه الحاق خود را به NPT در سال ۱۹۹۲ اعلام کند.

#### **۲-۴-۵. بخش دوم: آرای چین در قبال پرونده هسته‌ای ایران**

هنگامی که نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۲ شدت گرفت، چین از جمله معهود کشورهایی بود که خواستار حل و فصل موضوع از رهگذر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تأکید بر بعد حقوقی این مساله شد (Fitzpatrick, 2006). (8-10) قطعنامه‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶؛ ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷؛ ۱۸۰۳ در سال ۲۰۰۸ و قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ مهم‌ترین قطعنامه‌ها (در پرونده هسته‌ای ایران) به شمار می‌روند (Berger & Schell, 2013: 89-93). در قالب شورای امنیت، چینی‌ها نه تنها برخی از قطعنامه‌های تحریم را وتو نکردند بلکه از آن‌ها حمایت کردند و صرفاً به تلاش برای به تأخیر انداختن آن‌ها اکتفا کردند. موارد فوق باعث شد تا با وجود اینکه چین از زمان طرح موضوع هسته‌ای

ایران در شورای امنیت تا صدور قطعنامه‌های تحریمی در ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، تأکید بسیاری بر راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به بحران داشت، اما موضع نوسانی این کشور همچنان ادامه‌دار به نظر برسد؛ اما چین فقط به آرای نوسانی به پرونده هسته‌ای ایران بسنده نکرد و برای تامین وجوه دیگر امنیت از جمله امنیت انرژی، تجاری و اقتصادی خود دست به اقداماتی هم زد. نمونه دیگری از رویکرد نوسانی چین در قبال ایران، اقدام چین در کاهش واردات نفت از ایران در آغاز سال ۲۰۱۲ بود زیرا در حالی که چین ۵۵۰۰۰۰ بشکه نفت را در سال ۲۰۱۱، از ایران وارد کرد و در بیانیه وزارت خارجه این کشور به صراحت اعلام شد که این میزان کاهش نخواهد یافت، اما واردات این کشور از ایران با کاهش ۲۴ درصدی در چهار ماه اول سال ۲۰۱۲ رو به رو شد و با ۴۵۸۰۰۰ بشکه در روز در در اواخر نوامبر، به کاهش ۲۳ درصدی رسید. این رویکرد در سیاست خارجی چین در مورد برنامه هسته‌ای نشان می‌دهد که به تدریج با فهم تحول مفهوم امنیت و گذار از امنیت تک‌بعدی نظامی و ایجاد شدن حس نیاز به وجوه دیگر امنیت مانند امنیت اقتصادی، انرژی و تجاری که از طریق همکاری با ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل به دست می‌آید، جمهوری خلق چین با پذیرش قواعد حاکم بر ساختار واقع‌گرایانه بین‌المللی موضع عمل‌گرایانه‌تری را در قبال ایران و برنامه هسته‌ای آن در پیش گرفته است.

### ۳-۴-۵. بخش سوم: همکاری‌های چین و برنامه هسته‌ای ایران

چینی‌ها رویکرد ضد و نقیضی را به دلیل توجه به تحول مفهوم امنیت و گذار آن از حالت تک‌بعدی نظامی به حالت چند بعدی متنوع، در رابطه با مسئله هسته‌ای ایران اتخاذ کرده‌اند. یعنی نمی‌توان پیوستن چین به چرخه نظم حاکم بر ساختار بین‌الملل در مسئله هسته‌ای در جهت تامین امنیت اقتصادی، تجاری و نظامی را مانع از دیده شدن و توجه به برخی از همکاری‌ها و همراهی‌های چین در قبال پرونده هسته‌ای ایران دانست. آن‌ها می‌دانند که با برخی حمایت‌ها از مسئله هسته‌ای ایران، ابعاد دیگری از امنیت را که برای خود در نظر گرفته‌اند فعال می‌کنند. ابعادی از امنیت از قبیل امنیت اقتصادی (به واسطه بازار بزرگ مصرفی در ایران در شرایط تحریم)، امنیت انرژی (تامین نفت مورد نیاز خود، که افزایش روزافزون دارد)، امنیت نظامی و تسلیحاتی (که سود بسیار زیادی برای چین دارد). هم چنین چینی‌ها می‌دانند که اگر می‌خواهند از طرح کمربند-راه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران استفاده کنند، نمی‌توانند به مخالف دائمی و سرسخت جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای تبدیل بشوند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۹). بنابراین چین بعضاً همکاری‌های نسبتاً مناسبی با جمهوری اسلامی ایران

در این زمینه انجام داده است به گونه‌ای که آن‌ها نخستین کشوری بودند که از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ به طور فعال و مستقیم در فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشارکت کردند. بنابراین از هر سه بخش این مولفه می‌توان متوجه شد که توجه چین به تحول مفهوم امنیت بر اساس قواعد ساختار بین‌الملل باعث شده است که ابعاد متنوع امنیت در راهبرد سیاست خارجی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران مورد توجه باشد به گونه‌ای که در همین مولفه، چینی‌ها خواهان تامین تمام ابعاد امنیت از جمله امنیت نظامی و تجاری با ایران و تامین امنیت سیاسی و اقتصادی با ایالات متحده آمریکا بودند.

### ۵-۵. روابط نظامی چین و ایران

روابط نظامی چین و جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیر تحول مفاهیم بین‌الملل در ساختار واقع‌گرایانه بر رویکرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. چرا که پس از امنیت انرژی و مولفه‌های مربوط به انرژی، اعداد و ارقام، بسط و تعمیق این مولفه رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، همان‌طور که در بخش مقدمه بیان شد تحول مفهوم امنیت و گذار آن از حالت تک‌بعدی به حالت چندبعدی به این معنا نیست که امنیت نظامی از بین رفته باشد بلکه به این معنا است که قدرت و امنیت نظامی صرف، دیگر نمی‌تواند پاسخگوی تمام ابعاد امنیت باشد و باید به این موضوع توجه داشت که هنوز هم بحث امنیت نظامی یکی از مهم‌ترین وجوه و ابعاد امنیت از منظر نظام واقع‌گرایانه ساختاری حاکم بر جهان است و چین هم از این قاعده پیروی می‌کند. در این مولفه به دو بخش پرداخته می‌شود که عبارتند از: بخش اول، دیپلماسی دفاعی نوین بین دو کشور و بخش دوم، تبادلات و تجارت نظامی چین و ایران.

#### ۵-۵-۱. بخش اول: دیپلماسی نوین دفاعی بین چین و ایران

تا پیش از سال ۲۰۱۳ به جهت محافظه‌کاری واقع‌گرایانه چین در خصوص فشارهای ساختاری بین‌المللی علیه ایران، شکل جدید همکاری‌های نظامی و دفاعی دو کشور به صورت عمومی، قابلیت ظهور و بروز نیافته بود. به گونه‌ای که دو کشور همکاری‌های بی‌سابقه‌ای را از سال ۲۰۱۳ به این سو، با یکدیگر تجربه کرده‌اند. دسترسی ایران به چین به منظور انتقال ساختار پهپاد US RQ-170 آمریکا که در دسامبر ۲۰۱۱ در ایران ناپدید شده بود، یکی از مثال‌های روشن این همکاری نوین است. هم‌چنین در سایه این روابط نوین نظامی، احتمال جایگزینی جنگنده‌های پیشرفته با

جنگنده‌های قدیمی اف 14 و فانتوم‌های اف 4 مورد توجه قرار گرفت (رضایی، وثوقی، ۱۳۹۵: ۱۵). این روابط نظامی نوین بین چین و ایران را می‌توان حاصل تحول مفهوم امنیت دانست به گونه‌ای که به طور مستقیم بر توازن قوا در منطقه آنارشیک خاورمیانه تاثیر می‌گذارد.

## ۲-۵-۵. بخش دوم: تبادلات و تجارت نظامی چین و ایران

: هم‌زمان با تأکید بر رشد و تامین امنیت اقتصادی و گسترش روابط چین با غرب، پس از سال ۱۹۷۷، که یکی از ابعاد مهم امنیت، پس از تحول مفهوم این واژه در رویکردهای سیاست خارجی چین بود در این زمان برخلاف گذشته اقدام چین به همکاری نظامی با سایر کشورها بیش از آنکه رنگ و بوی ایدئولوژیک داشته باشد مبتنی بر تحول مفهوم امنیت و گذار از امنیت تک‌بعدی نظامی به امنیت چند بعدی بود. ادامه این روند به آنجا انجامید که چین با فروش بیش از ۱۳ میلیارد دلار اسلحه در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ به پنجمین صادرکننده بزرگ دنیا تبدیل شد. در رابطه با ایران که محل تامل این مقاله است، آغاز همکاری‌های گسترده نظامی بین این دو کشور را می‌توان از سال ۱۹۸۰ قلمداد کرد، این همکاری به حدی رسید که تا سال ۱۹۸۸ چین توانست خود را به عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحاتی ایران و فناوری‌های مرتبط با آن تبدیل کند. به طوری که در طول جنگ و دهه ۱۹۸۰، ۵۷ درصد کل فروش اسلحه چین متعلق به ایران و عراق بود که به لحاظ ارزشی معادل چیزی بیش از ۵ میلیارد دلار می‌شد (شریعتی نیا، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

تجارت سلاح بین ایران و چین تا آنجا ادامه پیدا کرد که بر اساس آمارهای مؤسسه بین‌المللی صلح استکهلم، ایران تا سال ۲۰۰۴ به طور میانگین سالانه ۱۷۱ میلیون دلار سلاح‌های متعارف از چین خریداری و در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ این کشور بعد از پاکستان به دومین خریدار تسلیحاتی چین تبدیل شد (شریعتی نیا، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

در پایان به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تجارت چین با جمهوری اسلامی در زمینه نظامی یعنی حوزه موشکی اشاره می‌کنیم که عبارتند از: فروش چهار موشک ضد کشتی FL-10 و قایق‌های تندروی مسلح به موشک با نام گربه چین، بسترسازی برای تولید و فروش موشک‌های ضد کشتی C-801 و C-802 برای ایران که البته تحت فشار آمریکا تنها ۷۵ عدد تحویل داده شد، در صورتی که طبق توافقنامه باید ۱۵۰ عدد از این موشک‌ها به ایران فروخته می‌شد؛ فروش قطعات راداری بسیار قدرتمند JY-14، با توانایی ردیابی ۱۰۰ هواپیما و موشک به طور هم‌زمان تا ارتفاع ۷۵۰۰۰ پا (گارور، ۱۳۸۸: ۲۸۳-۲۸۷).

موارد فوق این امر مهم را مطرح می‌سازد که توجه چین به ابعاد گوناگون امنیت، باعث نشده است که آن‌ها از پرداختن به امنیت نظامی باز بمانند و هم‌چنان بر روی امنیت نظامی به عنوان یکی از ابعاد امنیت در ساختار واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل، تمرکز دارند و به صورت مستقیم بر رویکرد سیاست خارجی این کشور در مقابل جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار بوده است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی مولفه‌های فوق، فرضیه این مقاله مورد تایید قرار می‌گیرد زیرا فرضیه بر این باور بود که تحول مفهوم امنیت در رویکرد سیاست خارجی چین در قالب گذار از امنیت تک‌بعدی نظامی صرف به امنیت چندبعدی همه‌جانبه پایدار در ساختار نظام بین‌الملل، موجب توجه چین به مولفه‌های متعدد امنیت مانند امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت تجاری، امنیت نظامی و دفاعی، امنیت انرژی و امنیت فرهنگی، گردیده که این توجه را می‌توان در رویکرد سیاست خارجی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. پس از بررسی پنج مولفه که عبارت بودند از: ۱. رویکرد ابتکار کمربند - راه؛ ۲. امنیت انرژی چین و موقعیت ژئواکونومیکی انرژی ایران؛ ۳. رویکرد چین در تعاملات با عربستان سعودی و تاثیر آن بر ایران؛ ۴. رویکرد چین در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ ۵. روابط نظامی چین و ایران. این امر آشکار می‌گردد که هر کدام از آن‌ها در نظام واقع‌گرایانه ساختاری کنونی، به مانند تیغ‌های چند لبه عمل می‌کنند. به گونه‌ای که با فعال شدن هر کدام از مولفه‌ها به طور هم‌زمان ابعاد متنوعی از امنیت که در جریان تاثیر تحول مفهوم امنیت بر راهبرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی بودند، فعال می‌شدند. به طور مثال با فعال شدن رویکرد طرح کمربند-راه، با ایجاد تبادلات اقتصادی و بازار مصرف چند میلیاردی، امنیت اقتصادی و توجه به رشد و توسعه اقتصادی فعال می‌شود و با ایجاد کردورهای مختلف و متنوع و تامین امنیت راه‌ها توسط کشورهای عضو، امنیت نظامی، امنیت فرهنگی و امنیت سیاسی تامین می‌شد. هم‌چنین با توجه به این که کشورهای عضو این مجموعه از جمله جمهوری اسلامی ایران جزو مهم‌ترین منابع انرژی جهان می‌باشند با ایجاد این طرح، امنیت انرژی خود را تامین کردند. تمام موارد تامین ابعاد مختلف امنیت که برای طرح کمربند-راه ذکر شد را می‌توان در دیگر مولفه‌ها جست‌وجو کرد. نکته جالب توجه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی چین و تاثیر آن بر رویکرد این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران به معنای پایان یافتن نگاه و توجه چین به مقوله امنیت نظامی واقع‌گرایانه ساختاری نیست و چینی‌ها هم‌چنان به این

مؤلفه بسیار مهم بین دو کشور، توجه زیادی دارند که در مؤلفه روابط نظامی چین و ایران به آن پرداخته شد. هم چنین با توجه به امنیت اقتصادی است که دیگر ابعاد امنیت، قدرتمندتر می‌شوند و دستیابی به آن‌ها آسان‌تر می‌شود. توسعه اقتصادی به عنوان کانال تولید قدرت، اساس استراتژی بلندمدت چین در ساختار واقع‌گرایانه نظام بین‌الملل کنونی را شکل داده است. البته نباید فراموش کرد که با بررسی متغیرهای فوق در بعضی نقاط، مانند کریدورهای شکل گرفته در طرح کمربند-راه، مسئله انرژی و رابطه چین با عربستان سعودی این مسئله اساسی برای ما روشن می‌شود که علی‌رغم تحول مفهوم امنیت و با وجود متغیرها و ظرفیت‌های زیاد ایران برای یافتن جایگاهی ویژه در سیاست خارجی چین، ایران از جایگاه موثر و مفیدی که به صورت بالقوه از آن برخوردار است به صورت بالفعل، برخوردار نیست.

به منظور بیان راهکار در مورد تعمیق روابط ایران و چین می‌توان یک شاخص اساسی را در نظر گرفت که ریشه در تفکرات نئورئالیستی رهبران پکن دارد و آن هم، جایگاه بنیادین توجه به ساختار و قواعد نظام بین‌الملل در راهبرد سیاست خارجی است، که با توجه به مطالب فوق‌الذکر برای چین، قاعده حفظ ثبات و آرامش در نظام بین‌الملل از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این مؤلفه در راهبرد سیاست خارجی چین، می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران یک شاخص اساسی تلقی شود که تهران با رعایت آن می‌تواند از مواهب و فواید رابطه با چین (در پنج مورد یاد شده در این مقاله) بهره‌مند شود و در صورت عدم نظر گرفتن آن نمی‌تواند در مگا پروژه‌های پکن همچون کمربند-راه و تامین نیازهای ژئواکونومیک، برتری چندانی کسب کند و هم‌چنین نمی‌تواند در برنامه‌های نظامی و هسته‌ای نیز حمایت مطلوب چین را به دست بیاورد. در آخر پیشنهاد می‌شود که علاقمندان و اندیشمندان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌توانند با توجه به آن چه که در این مقاله به عنوان ابعاد متنوع امنیت بیان شد، به صورت تخصصی و به صورت مطالعه موردی به تاثیر هر یک از ابعاد امنیت بر راهبرد سیاست خارجی چین در قبال جمهوری اسلامی بپردازند و موضوع پروژه‌های تحقیقاتی خود را از بین این مباحث که در مطالعات نوین روابط بین‌الملل موثر هستند و متأسفانه در کشور ما مغفول مانده‌اند انتخاب کنند.

## منابع

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ فروتن، فاطمه (۱۳۹۸)، تعاملات سعودی-چینی و پیامدهای آن برای امنیت ایران، نشریه روابط خارجی، شماره ۴۱، صص ۶۷-۹

۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴)، روابط ایران و چین در دوره احمدی نژاد: سیاست نگاه به شرق و تاثیرات ساختاری، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل ۸ (۳۲)، ۹-۴۱
۳. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، پیرانخو، سحر (۱۳۹۶)، جاده ابریشم نوین به مثابه راهبرد سیاست خارجی چین، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۹، صص ۳۵-۴۲
۴. بوزان، باری. ویور، الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین الملل، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. حریری، مجید رضا (۱۳۹۹)، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین: واقعیت روابط اقتصادی ایران و چین باید روشن شود، ایران آنلاین، ۲۶ فروردین ماه
۶. ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۵)، رفتارشناسی رأی دهی چین در شورای امنیت سازمان ملل: مورد ایران و افریقا، نشریه روابط خارجی، شماره ۳۲، صص ۱۲۳-۱۵۵
۷. رضائی، مسعود (۱۳۹۴). تأثیر توافق هسته ای بر روابط ایران و چین، در: چشم انداز روابط ایران و چین، گردآوری و تدوین: حسین عسگریان، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۸. سریع القلم، محمود (۱۳۹۰)، مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، صص ۴۹-۷۴
۹. شاه محمدی، پریسا (۱۳۹۶)، چالش های سیاسی و امنیتی راهبرد چین برای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۱۰.
۱۰. شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۵)، کمربند اقتصادی جاده ابریشم: زنجیره ارزش چین محور، فصلنامه روابط خارجی، صص ۸۵-۱۱۳
۱۱. شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۱)، عوامل تعیین کننده روابط ایران و چین، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۹-۲۰۹.
۱۲. گارور، جان (۱۳۸۸)، چین و ایران: شریکان باستانی در جهان پس از امپراطوری‌ها، ترجمه سعیده موسوی، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۳. صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۴)، امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۲۲، صص ۸۵-۱۲۳.
۱۴. کوهکن، علیرضا (۱۳۸۷)، روند توسعه چین بعد از ۱۹۷۶، نشریه ره آورد سیاسی، سال پنجم - شماره ۲۰، صص ۴۳-۶۲.

۱۵. میرشایمر، جان (۱۳۹۰)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۶. نجات، سیدعلی و دیگران (۱۳۹۵)، راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۹، (۳۳)، ۱۳۷ صص - ۱۷۹.
۱۷. وثوقی، سعید؛ رستمی، امیرحسین؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷)، تأثیر قدرت یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا، نشریه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۳، صص ۷ - ۳۸.
۱۸. یزدانی، عنایت‌الله؛ عبدی، منا (۱۴۰۰)، ابتکار کمربند راه چین و منافع جمهوری اسلامی ایران، نشریه سیاست جهانی، شماره ۳۶، صص ۸۷ - ۱۳۰.
19. Alterman, B. Jon (2013), **China's Balancing Act in the Gulf**, Middle East Program, Gulf analysis paper, Center for Strategic and International Studies, pp.1-8.
20. Bagwandeem, Mandira (2014), **Navigating the Gulf: China's Balancing Strategy**, discussion paper, Center for China Studies, Stellen Busch University, pp. 1-37.
21. Bin Huwaidin, Mohamed (2008), **China in the Middle East: Perspectives from the Arab World**, Change in the Arab World, pp.67-76.
22. Berger, B and Schell, P. (2013.) *Toeing the Line, Drawing the Line: China and Iran's Nuclear Ambitions*. *China Report*, 49 (1), pp. 89-101.
23. Burchill, Scott and Others (2005). **Theories of International Relations**, Published by Palgrave Macmillan.
24. British Petroleum (BP), (2004), "Statistical Review of World Energy", London. Juane. Available at: < [www.bp.com](http://www.bp.com) >.
25. (BP), (2010), "Statistical Review of World Energy", London. Juane. Available at: < [www.bp.com](http://www.bp.com) >.
26. Douglas, John Keefer and et al (2007), **Rising in the Gulf: How China's Energy Demands are Transforming the Middle East?**, Alnakhl, the Fletcher School Journal for Issues related to south west Asia and Islamic civilization, pp.1-15.
27. Fitzpatrick, Mark (2006) "Assessing Iran's Nuclear Programme", **Survival: Global Politics and Strategy**, 48:3, 5-26.
28. Ge, S. 2015. "Transformation of International Structure and China's Diplomatic Strategy", *China International Studies*, [www.ciis.org.cn](http://www.ciis.org.cn) . PP: 5-25.



29. Herberg, E. Mikkal (2009), **The New Energy Silk Road: The Growing Asia- Middle East Energy Nexus**, NBR conference report, the National Bureau of Asian Research, pp.1-5.
30. (IEA), (2009), "Natural Gas in China, Market Evolution and Strategy", IEA/ OECD, Paris.
31. Janardhan, Narayanappa (2020): Belt and Road Initiative: China's Diplomatic- Security Tool in the Gulf? **Asian Journal of Middle Eastern and Islamic**
32. Lippman, W, Thomas (2008), **Nuclear Weapons and Saudi Strategy**, the Middle East Institute Policy Brief, pp. 1-9.
33. Madsen, Richard(2003), "The Prospects for Political reform in China: Religious and Political Expression", Council on East Asian Studies, University of California, San Diego (<http://www.ciaonet.org/wps/mar08/mar08.pdf>).
34. Mearsheimer, J (2011). Realists as Idealists, **Security Studies**, 20(3), 424-430.
35. Mearsheimer, J. J. (2010). The Gathering Storm: China's Challenge to US Power in Asia, **The Chinese Journal of International Politics**, 3(4), 381-396
36. Nuttall, William J, Manz, Devon L, (2008), "A New Energy Security Paradigm for the Twenty-First Century", *Technological Forecasting&Social Change*, Vol.75, Issue8, October
37. Wu, Bing Bing & et al (2011), **China and the Persian Gulf Implications for the United States**, Washington D.C, Woodrow Wilson International Center for Scholars.
38. Zakaria, Farid. 2013. *The Future OF Freedom*, New York: W.W. Norton
39. Zhao, Suisheng (2003), "Political Liberalization without Democratization: Pan Wei's proposal for political reform", *Journal of Contemporary China*, Vol. 35, No.12, pp. 333-355.